


در صفحه ۱۲ بخوانید...

- فراتر از انتقاد از «خود» | محمد بقایی ماکان
- آرزوی من؛ لغتنامه فارسی بین المللی | احسن انوشه
- سرانجامی که یک شهر را متاثر کرد | جلال جلالی زاده
- ...

۱۱

افراطی گرایی
منفعت طلبی و بی اعتمادی اجتماعی


مردمان هر جامعه، با اتفاقاتی که در روز برایشان به وجود می آید زندگی و روزشان را سپری می کنند. اما همیشه عده خاصی وجود دارند...



۱۰

تقسیم منافع
وزندگی مسالمت آمیز

افراط گرایی برمی گردد به این که شما با استفاده از روش های توأم با اعمال قدرت نظرتان را به دیگری تحمیل کنید این مسأله ما را به عرصه افراط گرایی می کشاند



بحث هایی پیرامون چیستی و چرایی بروز افراط گرایی در اخلاق سیاسی - اجتماعی

دشمن مردم



طبیعی قانون را نقض کرده است. به هر نسبتی که خروج از قانون و اعتدال افزایش پیدا کند جامعه در معرض تخریب و ویرانگری قرار می گیرد و به سوی انحطاط، فروپاشی و هرج و مرج رهسپار خواهد شد. در این بین مردم عادی تا حدود زیادی وضع روشن تری دارند. آنها در معرض محاسبه هستند و اگر اختلاس، دزدی، فحاشی یا ضرب و شتم از آنها سر بزند به محکمه می روند و توسط شاکی تحت پیگرد قرار می گیرند. مشکل وقتی است که مسئولانی که صاحب مقام، نفوذ، قدرت و تریبون هستند خارج از حدود اعتدال، قانون و اخلاق عمل کنند. در این شرایط مسائلی از سوی این افراد مطرح می شود که ظرفیت قانون اساسی آنها را ایجاد نمی کند. چنین اقداماتی است که موجب تخریب های اساسی می شود و بر حیثیت مملکت و مصالح کشور خدشه وارد می کند. به منظور برون رفت از چنین فضایی در مورد مدیریت مسائل کشور باید به سمتی پیش برویم که هر یک از مسئولان در حدود اختیاراتی که دارند و تکالیفی که برای آنها پیش بینی شده فعالیت کنند.

خروج از مرزهای قانون

وادی افراط گرایی می شود. معیار اعتدال، درستی و صحت عمل مسئولان و شهروندان، عمل کردن در چارچوب قانون است. در این بین برخی رسانه های رسمی کشور که از شهرت فراوانی هم برخوردار هستند به صورت بی محابا به افراد تهمت می زنند و به آنها نسبت ناروا می دهند. این رسانه ها برخی افراد را جاسوس، خائن و... خطاب می کنند و تهمتهایی را هم که به آنها نسبت می دهند به صورت عمومی منتشر می کنند. در جلسات رسمی هم این مطالب به اشخاص (به صورت ناروا) نسبت داده می شود. این رویکرد قطعاً مصداق خروج از اعتدال است و رویکرد خارج شدن از میزانی است که در چارچوب اداره کشور مشخص شده است. اگر کسی محکوم، جاسوس یا مخرب باشد باید به محکمه ارجاع شود. این محکمه است

قانون اساسی کشور ایران، به منظور اداره مملکت، سمت ها، مسئولیت ها و حدود اختیارات را معین کرده است. مسئولان در تمام رده ها - از راس هرم دولت تا آخرین رده های آن - باید در چارچوب همین قانون به وظایف خود عمل کنند. بخش دیگر منابع حقوقی به قوانین موضوعه ای مربوط است که وظایف شهروندان و مسئولان را تعیین می کنند. بنابراین همه شهروندان و قوای موجود (در کشور) باید به وظایفی که قانون برای آنها معین کرده عمل کنند. ملاک درستی و نادرستی عمل اشخاص یا مسئولان این است که هر مسئولی در چارچوب وظایفش عمل کند و هر شهروندی هم در چارچوب قانون، اختیارات و حدودی که قانون برای او معین کرده کار کند. خارج شدن از محدوده قانون به هر شکلی موجب خروج از اعتدال و ورود به

حسین انصاری راد
فعال سیاسی



یادداشت ۱

آنومی افراط گرایی

منوچهر آشتیانی
جامعه شناس



مقوله ای چون افراطی گرایی، در نگاه نخست، امری است بسیار پیچیده و دارای ابعاد گسترده، امری که نمی توان بدون در نظر گرفتن تأثیر بخش های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... به آن پرداخت. چرا که این امر قالب اجتماع می شود و در نتیجه از منظر معرفت شناسانه و روانشناسانه نیز باید مورد بررسی قرار گیرد. اما فارغ از ابعاد گسترده ای که این امر به خود اختصاص داده است، آنچه دارای اهمیت است نگرانی از بسط چنین نابسامانی است که تمام لایه های زیست فردی و اجتماعی را درگیر خود می سازد. اما چنانچه بخواهیم به چرایی گسترش چنین رویکردی در جامعه نظر افکنیم، در ابتدا باید ساختار جامعه را مورد بررسی قرار دهیم. نهادهای اجتماعی به طور طبیعی، اساس کار کرد و ساختار خود را دارند. این نهادها به صورت منظم در سیستم در حال حرکت هستند و به حیات خود ادامه می دهند. اما زمانی که امری از داخل یا خارج و با هر رویکرد و دلیلی به این بستر وارد شود و حیثیت آن را با اختلال مواجه سازد، به طور طبیعی این بستر با اختلال مواجه می شود و امکان و توانایی کار درست از آن سلب می شود و در حقیقت عامل انحراف جامعه را به وجود می آورد. این

انحراف نیز در عمل، یا عامل ایجاد حرکت های ارتجاعی و محافظه کارانه و عقیدت جامعه می شود یا عامل حرکت های تند و شتابزده شده و با افراط گرایی، جامعه را دچار انحراف بزرگتری می سازد. در نتیجه این حرکت ها نیز در بعد مثبت عامل انقلاب و در بعد منفی عامل حرکت های آناشینیستی - شووینیستی می شوند. اما برای ایجاد چنین فضایی بدون شک نمی توان تنها به یک عامل تکیه کرد. بلکه عوامل گوناگون در کنار یکدیگر است جامعه را به سمت این امر می کشاند. برای مثال مناسبات اجتماعی در کشور آلمان در دوره ای به سمت شکل گرفتن یک حکومت دموکراتیک در حال حرکت بود

سازوکار این تحمیل نیز بدون شک چیزی جز زور و افراط در عقیده نبود. حال آن که این برخورد در هر دوره ای سازگار و مناسبات خود را داشت و آن اقشار نیز انگیزه خود را داشتند که برای بررسی این مورد در دوره های گوناگون باید آن انگیزه ها و خواست ها را باز شناخت. جامعه ما نیز طی عمر ۳ هزار ساله خود همواره با چنین مواردی درگیر بوده است و اما تنها فریاد برآوردیم و نتوانستیم از دوران گذشته بیرون بیاییم. چرا که عقل و علم جایگاه خود را از دست داده و همچنین قانون نیز نتوانسته آن طور که باید قدرت خود را در جامعه حاکم کند و امر این تنها در زمانی می تواند شکل درست خود را باز یابد که ما در تمامی حوزه ها به سطحی از تعادل دست بیاییم و تمامی این سطوح به صورت منصفانه و درست در کنار یکدیگر قرار گیرند. این تعادل چنانچه عملیاتی شود، بدون شک می تواند مانع بزرگی بر سر افراط باشد. اما از جمله ابزار های حفظ این تعادل، در نقطه آغاز شکل نوین بخشیدن به مناسبات اقتصادی و در درجات بعدی ایجاد تعادل سیاسی و... است.

سازوکار این تحمیل نیز بدون شک چیزی جز زور و افراط در عقیده نبود. حال آن که این برخورد در هر دوره ای سازگار و مناسبات خود را داشت و آن اقشار نیز انگیزه خود را داشتند که برای بررسی این مورد در دوره های گوناگون باید آن انگیزه ها و خواست ها را باز شناخت

این امر باید به صورتی باشد که میان اراده مردم و حاکمان جامعه بتوان این تعادل را به سهولت مشاهده کرد و تنها در این صورت است که قدرت حاکم یا یک قشر خاص، نمی تواند جامعه را به سمت و سویی که خود می خواهد کشاند و از این حیث جامعه را با بحران و آنومی مواجه سازد.

یادداشت ۲

افراط و مخالفت با عقل

قاسم پور حسن
استاد دانشگاه



نوع تعریف درباره افراط گرایی وجود دارد؛ یکی تعریفی است که در حوزه دین و اخلاق صورت می گیرد که ما به طور کلی در حوزه دین، هر نوع رفتارها و باورهایی که بیرون از چارچوب و قواعد دینی باشد را افراط می دانیم، در اخلاق هم رفتاری که دور از فضیلت باشد، رفتار افراط گراییه است. تعریف دوم، تعریف فلسفی است. در فلسفه، رفتاری را که مغایر عقل است، رفتار افراط گراییه می دانیم. پس ملاک مهم عقل، فضیلت و شریعت است. در حوزه دینی به خصوص اسلام، رفتار خوارج و کسانانی را که بیرون از شریعت بودند، افراطی تلقی می کردیم. از امیرالمومنین سوال کردند، مگر می شود بگوئیم این افراد مهم و دیندار ناهق و بیرون از حق هستند. ایشان فرمودند، حق ملاک است و با ادماها و شهرتشان نیست که حق تعیین می شود. این حق به معنای آموزه های وحیانی است و به همین خاطر است که امیر در چارچوب شریعت صحبت می کنند. در این جا منظور خود شریعت است نه فهم از شریعت یا تفسیر خاصی از شریعت. پس ما ملاکی به نام شریعت داریم که اخلاق را هم درون آن قرار می دهیم و ملاک دیگری هم به نام عقل داریم. آنچه که امروز در بخشی از دنیای اسلام

صورت می گیرد، بیرون از هر دو ملاک است. نه شریعت و اخلاق این رفتارها را قبول دارد و نه هیچ انسان عاقلی آن را مبتنی بر عقل می داند. در میان فیلسوفان مشهور است که اگر این سه فضیلت یعنی عقل، اخلاق و شریعت با هم سازگار باشند، قوه اعتدالی به وجود می آید که این فضیلت اعتدال است و بیرون از آن افراط است. این مسأله، هم در بین آرای فیلسوفان باستان چون ارسطو و هم بین متفکرین اسلامی مشهور است.

بر همین اساس، افراد ملاک تعیین افراط گرایی یک عمل نیستند بلکه ما ملاک مستقلی بیرون از داوری انسان ها داریم و آن عقل به معنای عام است. همه انسان ها واجد عقل هستند و عقلانی بودن و نبودن یک رفتار مربوط به جامعه و فرد و زمان نیست. همجنان که همه حکم می کنند عدالت درست است و ستم زشت است، داوری شان براساس همین ملاک عام است. خود عقل جمعی و عموم انسان ها شاخص است و این عقل جمعی می گویند، رفتاری که منتهی به تهدید از بین بردن انسانی شود، افراط است، حتی اگر ادعای رفتار دینی داشته باشد. امروز بسیاری از کشورهای اسلامی مانند عربستان و قطر ادعای دینی می کنند اما چون رفتارشان مخالف عقل انسان هاست، عقل رفتار آنها را رفتار افراطی می داند و این عقل همه انسان هاست نه فقط عقل افراد دیندار.

ادامه در صفحه ۱۱

طرح: مهدی صدیقی